

تأثیر مدیریت دانش استراتژیک بر فرهنگ سازمانی، نوآوری و عملکرد شرکت (مطالعه موردی: شرکت های دانش بنیان پارک فناوری پردیس)

اعظم مهدی پور^{*}, 179,

1394-6-29

از آنجایی که دانش به عنوان استراتژیک ترین منبع سازمانی مطرح می باشد، سازمان ها با این سوال اساسی مواجه می باشند که چگونه می توانند دانش سازمانی را بطور کارآمد و اثربخش مدیریت نمایند تا از مزایای آن جهت پیشبرد اهداف استراتژیک سازمان بهره مند شوند. در این پژوهش ما به دنبال آن هستیم که تأثیر مدیریت دانش استراتژیک را بر فرهنگ سازمانی و نوآوری سازمان و نقش آنها را در عملکرد شرکتهای دانش بنیان پارک فناوری پردیس بررسی کنیم. پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق کاربردی، از نظر روش مطالعه، علی(همبستگی)، از نظر روش تحقیق و ماهیت و شیوه نگرش پرداختن به مساله، توصیفی از نوع پیمایشی است. همچنین از نظر درک، تشریح، تجزیه و تحلیل و ارزش یابی و بررسی صحت اطلاعات جمع آوری شده، روش مبتنی بر آمار است. جامعه آماری این پژوهش نیز شرکت های دانش بنیان پارک فناوری پردیس است که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران تعداد 100 تا از این شرکت ها به عنوان گروه نمونه انتخاب گردیدند که پرسشنامه پژوهش که مشتمل بر 24 سوال می باشد ما بین این شرکت ها توزیع گردید. با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و در نهایت از روش معادلات ساختاری و از نرم افزار PLS Visual برای آزمون فرضیات استفاده گردید. به منظور محاسبه روائی واگرای مدل در این پروژه از معیار Loading Cross استفاده شده است. از مجموع 8 فرضیه اصلی چهار 6 فرضیه تایید و 2 فرضیه مردود گردید و به عبارت دیگر وجود رابطه بین استراتژی خصوصی سازی و عملکرد شرکت و همچنین رابطه بین فرهنگ سازمانی و عملکرد شرکت رد می شود و رابطه بین استراتژی کد گذاری و فرهنگ سازمانی استراتژی کد گذاری و نوآوری، استراتژی شخصی سازی و فرهنگ سازمانی و استراتژی شخصی سازی و نوآوری، استراتژی کدگذاری و عملکرد شرکت تایید می شود و نوآوری بر عملکرد شرکت نیز مثبت ارزیابی می گردد.

کلمات کلیدی : واژگان کلیدی: مدیریت دانش، مدیریت دانش استراتژیک، فرهنگ سازمانی ، نوآوری، عملکرد شرکت های دانش بنیان